

## نامه ی تروتسکی به شورای نویسندگان زیر درفش مارکسیزم

رفقای عزیز!

فکر انتشار مجله ی شما که بایستی راهنمای پرولتاریای جوان پیش آهنگ در عرصه ی نگرش ماتریالیستی به جهان باشد به نظر من بسی ارزشمند و پر بار است. نسل قدیمی کارگران کمونیست که امروزه نقش رهبر را در حزب و کشور ایفا می کند، ده پانزده، بیست سال پیش یا شاید هم بیشتر از این ها به زندگی آگاهانه ی سیاسی روی آورده است. او با مبارزه علیه پلیس، سازمان های مخفی زندان تزاریزم و سرمایه داری بود که اندیشیدن را آغاز کرد. اغلب اوقات در زندان یا تبعید بود که با مسائل فلسفه ی تاریخ و برداشت علمی از جهان آشنا شد. بدین ترتیب پیش از آن که پرولتاریای انقلابی با مهم ترین مسائل تبیین ماتریالیستی تکامل تاریخی آشنا شود، توانسته بود برپایه ی تجربه ی مبارزاتی اش در زندگی انبوهی از آموخته ها را بر مبنای حرکت از خاص به عام ببندد.

لیکن کارگر جوان امروزی در چهارچوب نظام شوروی بیدار می شود که خود نقد زنده ای از دنیای کهن است. نتیجه گیری های کلی که نسل قدیم کارگران از تجربه ی مبارزاتی شخصیش بیرون کشیده و به طرز خدشه ناپذیری به صورت تئوری جمع بندی کرده امروز به شیوه ی تقریباً مستقیمی از دست حکومتی که نسل جوان کارگران در پرتو آن زندگی می کند به این نسل می رسد. چنین امری بی شک نشانگر پیشروی بزرگی در زمینه ی پرورش سیاسی و نظری گسترده تر کارگران است. ولی در عین حال در سطح و مرحله ی کنونی که به طرز مقایسه ناپذیری از سطحی که کارگران قدیمی به آن رسیده بودند پیش رفته تر است، وظایف نوین و دشوار تازه ای پیش پای نسل جدید قرار می گیرد.

دولت شوروی، نفی زنده ی جهان کهن، نظام اجتماعی آن، روابط متقابل اعضای آن و عقاید و باورهای آن است، ولی در همان حال این دولت از این سوی و آن سوی درگیر با تضادهای، اشتباهات، اختلاف نظرها، نارضایاتی فتنه انگیز و در یک کلام درگیر تاثیرهایی است که میراث گذشته و جوانه های آینده در آن به هم گره خورده اند.

در چنین دوران پراگشت و نقدآمیزی که ما به سر می بریم، بایستی کارمان را بر پایه های نظری استوار و محکمی بنا سازیم. برای این امر، برای اجتناب از این که حوادث نامنتظره، جذرمدهای شدید و تغییرهای شتابان وظایف و روش های عمل حزب، در ذهن نسل کارگران جوان سردرگمی نبراکند و اراده شان را فلج نسازد، باید اندیشه و اراده ی آنان به روش برداشت ماتریالیستی جهان مسلح شود. بدین ترتیب است که این نسل می تواند با دشواری های وظیفه ای که مسئولیت آن را بر دوش دارد، دست و پنجه نرم کند.

از آن رو از مسلح کردن توده- و نه فقط اندیشه- سخن می گویم که در این دوران جنب و جوش های عظیم و گسترده، اراده ی ما بایستی پیش از هر وقت دیگری تنها با اتکا به شناخت علمی شرایط و علل تکامل تاریخی، رزمندگی خود را حفظ کند.

از سوی دیگر به ویژه در دوران های پرجنبش و گسست آمیزی همانند دوران ما و به خصوص هنگامی که آهنگ حرکت حوادث انقلابی از آن چه که امید می رفت کندتر است، تقلاهای مکتب ها و فرقه های فلسفی گوناگون ایده آلیستی و نیمه ایده آلیستی ذهن کارگران جوان را پیوسته به خود معطوف می دارد. اندیشه ی جوانان کارگر بدون برخورداری از تجربه ی عملی ارزشمند مبارزه ی طبقاتی، چه بسا غافل گیر حوادث شده و در برابر گرایش های گوناگون ایده آلیزم که اساساً جزم های مذهبی را به زبانی به اصطلاح فلسفی بیان می دارند، خلع سلاح شود. همه ی این مکاتب با هر نامی که خوانده شوند- ایده آلیستی، کانتیستی، امپریوکریتیسیستی و دیگران- نهایتاً در تأیید این نکته به هم می رسند که ذهن، اندیشه و شناخت را بر ماده مقدم می دارند و نه برعکس.

وظیفه ی آموزش نسل جوان کارگر بر این مبتنی است که قوانین اساسی تکامل تاریخی و به ویژه مهم ترین این قوانین را برایشان توضیح دهند. قانونی که بیان می دارد شناخت انسانی نه روند روانی مستقل، بلکه معلول بنیادهای اقتصادی و مادی است، توسط این بنیادها مشروط می گردد و در خدمت آن ها در می آید.

وابسته گی شناخت به منافع و مناسبات طبقاتی و وابسته گی این منافع و مناسبات به ساخت اقتصادی جامعه، در دوران انقلابی به نحو برجسته ای مشخص می شود. ما باید با اتکاء به تجربه ی منحصر به فرمان به نسل جوانان کارگر کمک کنیم تا اصول روش مارکسیستی را ملکه ی ذهن خویش سازند، ولی این کافی نیست. خود جامعه ی بشری هم از نظر ریشه های تاریخی اش و هم از جهت اقتصاد معاصرش، حاصل جهان طبیعی- تاریخی است. بایستی به انسان امروزی همانند حلقه ای از سلسله زنجیر تکاملی نگریم که با اولین هسته ی آلی آغاز می گردد که خودش حاصل آزمایشگاه طبیعت است، آزمایشگاهی که کانون عملکرد خصوصیات فیزیکی و شیمیایی ماده است. کسی که با چشم باز آموزش می بیند و گذشته ی تمامی جهان از جمله جامعه ی بشری، قلمرو حیوانی و گیاهی، منظومه ی شمسی و منظومه های بی شمار پیرامونش را در نظر می گیرد، چنین کسی به کتاب های "وحی شده ی" کهن و افسانه ی فلسفی دوران طفولیت بشر اکتفا نمی کند و کلید رمز آفرینش جهان را در ذهن جستجو نمی کند. کسی که وجود نیروهای آسمانی را که قادر باشند در زندگی خصوصی یا اجتماعی افراد دخالت کنند و به آن جهت به دهند، انکار می کند، کسی که اعتقاد ندارد احتیاج و رنج انسان ها در دنیایی دیگر پاداش موهم و مجهولی خواهد یافت، چنین کسی روی زمین استواری ایستاده است و تکیه گاه کار نظریش را با جرأت و اطمینان بیشتری در شرایط مادی جامعه جستجو می کند. برداشت مادی از جهان نه فقط پنجره ای گشاده به روی تمامی گیتی باز می کند، بلکه پولادین ساز اراده است. تنها همین اراده ی پولادین است که انسان معاصر را به انسان راستین تبدیل می سازد. درست است که این انسان راستین در بند اوضاع مادی ستم گرانه است، ولی اکنون دیگر می داند که چگونه بر اوضاع چیره شود و در بنای جامعه ی جدید فعالانه شرکت می جوید. جامعه ای که به طور هم زمان بر پایه ی پیش رفت تکنیک و وسیع ترین همبسته گی انسانی بنا شده است.

مهم ترین وظیفه ی شما، ارائه ی جهان بینی ماتریالیستی به نسل جوان کارگران است. برای مجله ی شما که می خواهد در این کار آموزش سترگ سهیم باشد از صمیم قلب آرزوی موفقیت می کنم.

با درودهای کمونیستی

ل. تروتسکی

۱۹۲۲/۲/۲۷

منبع: کتاب «از میان تاریخ مبارزات فلسفی در شوروی» نوشته ی: رنه زاپاتا

چاپ ۱۳۸۰: ترجمه محمد جعفر پوینده

بازنویس: رویا شاپوری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharzarri@yahoo.com](mailto:yasharzarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲